

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، پیاپی ۵
صفحات ۱۱۹-۱۳۴

بررسی اثرات توسعه گردشگری در ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی مورد: منطقه گردشگری ریجاب در استان کرمانشاه

کیومرث زرافشانی، دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی،
لیدا شرفی*، دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی،
شهپر گراوندی، دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی، دانشگاه رازی،
پرستو قبادی، کارشناس ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۵/۲۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۷

چکیده

در عصر حاضر بسیاری از برنامه‌ریزان، گردشگری روستایی را فعالیتی بسیار مهم برای توسعه روستاها معرفی کرده‌اند و همواره آن را از دیدگاه‌های گوناگون مورد توجه قرار داده‌اند؛ به طوری که اقتصاددانان صنعت گردشگری را صادرات نامرئی نامیده‌اند. این صنعت، فعالیتی گسترده است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و زیست محیطی مهمی را با خود به همراه دارد. لذا برنامه‌ریزی در جهت توسعه گردشگری روستایی، نیازمند شناخت آثار و پیامدهای آن از دیدگاه جامعه میزبان می‌باشد که در نهایت همین امر منجر به توسعه پایدار منطقه می‌گردد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی اثرات گردشگری بر جامعه میزبان در منطقه ریجاب واقع در استان کرمانشاه است. حجم نمونه ۲۷۰ نفر برآورد شد که از این میان، ۲۰۰ پرسشنامه به روش تصادفی ساده جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی این تحقیق نشان داد که توسعه گردشگری در منطقه مورد مطالعه دارای چهار پیامد عمده می‌باشد. این پیامدها عبارتند از: درآمدزایی، ایجاد مشکلات زیست‌محیطی، توسعه فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی. نتایج این مطالعه می‌تواند دستاوردهایی برای سازمان جهانگردی و گردشگری به همراه داشته باشد. بدین معنا که با بکارگیری نتایج این مطالعه می‌توان اثرات مثبت گردشگری را تقویت و پیامدهای منفی آن را کاهش داد.

واژگان کلیدی: روستا، گردشگری، گردشگری روستایی، ریجاب.

(۱) مقدمه

در حال حاضر صنعت گردشگری جایگاه خاصی در اقتصاد کشورها پیدا کرده و نقش فعال و مؤثری در ارتقاء ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بخصوص در کشورهای رو به توسعه ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، حجم مبادلات بین‌المللی گویای آن است که بیش از 20 درصد مبادلات با جریان گردشگری آغاز می‌گردد و در برخی کشورها، درآمدهای ناشی از آن، یکی از منابع عمده در جهت تقویت اقتصاد ملی روزافزون آن‌ها می‌باشد. رشد و گسترش گردشگری از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است که با سرعت در قرن جدید ادامه یافته است. افزایش سطح درآمد، تنوع در ایام فراغت، تغییرات و نگرش جدید به مفاهیم زندگی، ایجاب می‌کند که گردشگری گسترش و توسعه یابد (خانی و همکاران، 1388: 52). در این بین، امروزه روستاها به کانون تردد انسان‌هایی بدل شده‌اند که برای فرار از زندگی پرهیاهوی شهری و زندگی ماشینی، به روستاها سفر می‌کنند. لذا با توجه به دامنه تقاضا و نیازهای محیط روستایی، گردشگری روستایی رو به توسعه گذاشته است و روز به روز بر اهمیت و جاذبه خاص آن افزوده می‌شود. در فرآیند برنامه‌ریزی منطقه‌ای، می‌توان گردشگری روستایی را ابزاری برای افزایش اشتغال محلی و بهبود کیفیت زندگی و در نتیجه، افزایش سطح رفاه اقتصادی و امکانات اجتماعی منطقه‌ای به حساب آورد (طالب و همکاران، 1387: 27-28). این صنعت، فعالیتی گسترده است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی مهمی را با خود به همراه دارد و هر یک در جای خود قابل بحث و بررسی است (Liue, 2003: 462).

اثرات گردشگری بر نواحی روستایی با توجه به ماهیت فعالیت گردشگری و ارتباط و تعامل تنگاتنگ آن با فعالیت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند بسیار متنوع و گسترده باشد. این اثرات می‌تواند بر محیط محلی و جوامع میزبان مثبت و گاه منفی باشد. با اندکی تعمق، می‌توان بدین حقیقت پی‌برد که هر کجا گردشگری به طور اتفاقی و بدون وجود برنامه‌ریزی و استراتژی مشخص توسعه یابد، مشکلات متعددی ظهور پیدا کرده (Cavacy, 1995: 130) و در دراز مدت مشکلات گردشگری بیشتر از فواید آن خواهد شد (خانی و همکاران، 1388: 54). بنابراین عدم درک اثرات گردشگری عاملی برای توسعه نیافتگی و پیامدهای این صنعت به‌شمار می‌رود (Aref, 2011: 29).

نواحی روستایی منطقه ریجاب در استان کرمانشاه با جاذبه‌های طبیعی، از دیر باز مورد توجه گردشگران قرار داشته است. گسترش جریان‌های گردشگری در این ناحیه اثرات مثبت و منفی را در پی داشته است. از این رو شناخت آثار و پیامدهای گردشگری از دیدگاه ساکنان در مرحله اول، و مدیریت این اثرات در مرحله دوم می‌تواند به تقویت پیامدهای مثبت گردشگری برای نواحی روستایی و کاهش پیامدهای منفی درک شده از سوی جامعه میزبان به منظور دستیابی به توسعه پایدار و حمایت آنان از

این فعالیت‌ها، مثرمتر واقع گردد. بنابراین، گردشگری روستایی می‌تواند نقش عمده‌ای در توانمندسازی مردم محلی و تنوع بخشی به رشد اقتصادی و نیز خلق فرصت‌های شغلی جدید در ارتباط تنگاتنگ با سایر بخش‌های اقتصادی ایفاء کند (خانی و همکاران، 1388: 52). در صورت برنامه‌ریزی و توسعه‌ی از پیش اندیشیده شده، گردشگری قادر است منافع مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، محیطی و سیاسی را ایجاد و سهم قابل توجهی را در توسعه ملی ایفاء نماید. به عبارتی به بهبود شاخص‌های عدالت اجتماعی، ارتقاء سطح زندگی، رفاه عمومی و تعادل و توازن منطقه‌ای منجر گردد (خانی و همکاران، 1388: 53). مقاله حاضر درصدد است اثرات توسعه گردشگری را از دیدگاه ساکنان نواحی روستایی منطقه ریجاب به مثابه جامعه میزبان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲) مبانی نظری

گردشگری روستایی به‌طور مشخص از دهه 1950 به بعد گسترش یافت (رضوانی و صفائی، 1384: 112). با توجه به جذابیت پیامدهای اقتصادی توسعه گردشگری، مطالعات اولیه طی دهه 1960، بیشتر بر آثار مثبت اقتصادی این پدیده متمرکز بود اما در دهه 1970 پیامدهای اقتصادی توسعه گردشگری با دید گسترده‌تری مورد ارزیابی محققان قرار گرفته‌است. در این دوره، عمدتاً رویکرد منفی به توسعه گردشگری حاکم بوده است؛ به طوری که محققان غالباً، بر آثار منفی توسعه این فعالیت تاکید می‌ورزیده‌اند. در دهه‌های 1980 و 1990 بر اساس انتقادات صاحب‌نظران، تاثیرات مثبت و منفی به طور متوازن مدنظر قرار گرفت (خانی و همکاران به نقل از علیقلی‌زاده، 1388: 54). در این مدت محققان سعی کرده‌اند با ارائه الگوها و روش‌های مختلف، نقش گردشگری را در تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی افزایش دهند. امروزه ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی گردشگری روستایی مطرح و مورد توجه است (رضوانی و صفائی، 1384: 112).

در همین رابطه محسنی (1388: 161-162) مزایا و آثار مثبت اقتصادی گردشگری را به دو دسته مزایای مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. مزایای مستقیم شامل: ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، ارزآوری، ارتقای سطح زندگی مردم، فروش خدمات و کسب درآمد، تحرک اقتصادی، استخدام نیروهای جوان؛ و مزایای غیر مستقیم در برگیرنده رونق فعالیت‌های ساختمانی، رونق صنایع دستی، رونق کشاورزی، رونق باغداری، رونق ماهیگیری، رونق خدمات و کالای مصرفی، توسعه و بهبود تجهیزات زیربنایی می‌باشند. البته باید گفت که تاثیرات گردشگری صرفاً تاثیرات مثبتی نیستند، بلکه عدم نظارت بر چگونگی استفاده از محیط‌های گردشگر پذیر می‌تواند آن‌ها را تخریب کند و یا موجب رکود در بعضی از بخش‌های اقتصادی گردد.

گردشگری علاوه بر آثار اقتصادی، آثار اجتماعی و فرهنگی نیز در پی دارد. تأثیرات اجتماعی، تغییراتی است که در زندگی مردم جامعه‌ی میزبان رخ می‌دهد. این تغییرات به سبب تماس مردم محلی با گردشگران به وجود می‌آید (Liue, 2003: 465). ورود گردشگران به مناطق روستایی باعث ارتباطات مردم بومی با این افراد و تأثیراتی قابل ملاحظه در رشد و ارتقای فرهنگی و اجتماعی، بالا رفتن سطح سواد، ایجاد مراکز مراقبت‌های بهداشتی، افزایش نقش زنان در جوامع سنتی، و افزایش روابط اجتماعی در جوامع دور افتاده می‌شود (مهدوی و همکاران، 1386: 45). تأثیرات فرهنگی نیز تغییراتی است که در شیوه‌ی زندگی، سبک معماری، هنر و آداب و رسوم جامعه‌ی میزبان رخ می‌دهد (Liue, 2003: 467).

از لحاظ زیست محیطی، با توجه به ارتباط مستقیم گردشگران روستایی با محیط طبیعی، در صورت عدم مدیریت این فرآیند، در بسیاری از موارد، گردشگری می‌تواند به تخریب محیط زیست منجر شود. به‌طور مثال در زمینه‌ی زیست محیطی، ورود گردشگران به نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، افزایش آلودگی و تخریب محیط زیست منجر شده است (مهدوی و همکاران، 1386: 45-46).

به‌طور کلی، پیامدهای منفی صنعت گردشگری که ناشی از مدیریت غیرکارا و عدم استفاده بهینه از علوم، تکنولوژی، پتانسیل‌ها و منابع انسانی است، عبارتند از: افزایش سطح قیمت کالاها و خدمات، جابجایی در اشتغال افراد بومی، منسوخ شدن برخی فعالیت‌های مرسوم مانند کشاورزی و ماهیگیری، تغییر الگوی فرهنگ و زندگی، تخریب ساخت سنتی منطقه، فرسایش و آلودگی محیط زیست، آسیب دیدگی ابنیه و آثار تاریخی، شیوع بیماری‌های مسری، ایجاد نابرابری اقتصادی، تهاجم فرهنگی، استحاله فرهنگی (Sofield, 2000: 2؛ پاپ زن و همکاران، 1389: 26؛ محسنی، 1388: 164؛ علیقلی زاده و همکاران، 1386: 1). در این راستا هاریل¹ معتقد است که در مراحل آغازین توسعه گردشگری در منطقه، ساکنان به خاطر فواید اقتصادی گردشگری، نگرش مثبتی به توسعه این صنعت دارند (Harrill, 2004: 6). در تایید این موضوع آلن و همکاران در بررسی برخی از نواحی روستایی بدین نتیجه رسیده‌اند که کیفیت زندگی ساکنان مقصد در مراحل اولیه توسعه گردشگری بهبود می‌یابد، اما ظرفیت تحمل محیط به مرحله‌ای می‌رسد که توسعه بیشتر گردشگری، بروز تغییرات منفی در محیط مقصد را موجب می‌شود. به عبارتی دیگر، همان‌طور که گردشگری توسعه می‌یابد، نگرش منفی ساکنان نسبت به اثرات گردشگری افزایش پیدا می‌کند (علیقلی‌زاده و همکاران، 1386: 5). در ادامه، به برخی از مطالعاتی که در زمینه اثرات گردشگری و بالاخص گردشگری روستایی در داخل و خارج صورت گرفته است، پرداخته می‌شود.

¹ Harrill

از جمله مطالعاتی که در زمینه اثرات گردشگری صورت گرفته است، می‌توان به تحقیق علیقلی‌زاده و همکاران (1389) اشاره نمود. یافته‌های این محققان بیانگر آن است که گردشگری در دهستان گلیجان، باعث بروز تغییرات اساسی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شده است. در واقع، توسعه گردشگری در منطقه مورد مطالعه، اگرچه پیامدهای مطلوبی به ویژه در زمینه‌های اقتصادی برای جامعه محلی به همراه داشته است، اما باعث بروز پیامدهای نامطلوب عدیده‌ای در زمینه‌های اجتماعی و زیست-محیطی و حتی اقتصادی نیز شده است. این در حالی است که ساکنین، علی‌رغم درک قوی برخی از اثرات و پیامدهای منفی توسعه گردشگری، به دلیل وابستگی شغلی و منافع شخصی خود، نسبت به توسعه آن، گرایش مثبت و موافق داشته و از آن حمایت می‌کنند. هم‌چنین یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که شدت اثرات گردشگری، بین روستاهای ساحلی و دور از ساحل تفاوت معناداری وجود دارد و در روستاهای ساحلی، اثرات و پیامدهای منفی گردشگری در مقایسه با روستاهای دور از ساحل، بیشتر درک شده است. در تحقیقی دیگر که توسط خانی و همکاران (1388) انجام شد، درک ساکنین از اثرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی گردشگری بر رفتارها و تصمیمات آنان در راستای توسعه و برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گرفت. قلمرو این تحقیق روستای چمخاله واقع در ناحیه شمالی کشور ایران بود. نتایج این تحقیق فرضیه اصلی - فواید اقتصادی، نگرش ساکنان را تحت تاثیر قرار می‌دهد - را تایید می‌نماید، این در حالی است که اثرات فرهنگی، اجتماعی و محیطی گردشگری باعث رضایت خاطر جوامع روستایی نمی‌باشد. نتایج پژوهش میرزایی (1388) نشان داد که گردشگری روستایی زمینه‌ی اشتغال فصلی را در منطقه اورامانات کرمانشاه به ویژه در بهار فراهم ساخته و شاغلان دیگر بخش‌های اقتصادی و به ویژه کشاورزی را به سوی خود جذب کرده است. در همین راستا نتایج مطالعه غفاری و ترکی‌هرچگانی (1388) در مناطق روستایی چهارمحال و بختیاری حاکی از آن است که بین افزایش تعداد گردشگران، رونق گردشگری و بهبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی رابطه معنی‌دار وجود دارد. به بیانی، توسعه گردشگری اثرات مثبتی اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی را به دنبال داشته است. یافته‌های حاصل از مطالعه مهدوی و همکاران (1387) نشان داد که گردشگری در زمینه‌ی اقتصادی، اثرات محدودی داشته و به جز اشتغال‌زایی و درآمدزایی اندک، موجب بالا رفتن قیمت‌ها و سوداگری زمین شده است. در زمینه‌ی اجتماعی اثرات مثبت بیشتری نظیر افزایش سواد، بهداشت فردی و عمومی، افزایش تعامل با نواحی همجوار، و کاهش مهاجرت دیده می‌شود. در زمینه‌ی زیست‌محیطی نیز ورود گردشگران به نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، افزایش آلودگی و تخریب محیط زیست منجر شده است.

نتایج پژوهش علیقلی‌زاده و همکاران (1386) که نگرش نواحی روستایی نوشهر را نسبت به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری مورد بررسی قرار دادند، نشان داد که از دیدگاه ساکنان، گردشگری اثرات

اقتصادی مثبتی نظیر افزایش فرصت‌های شغلی و درآمد، و هم چنین اثرات منفی اقتصادی و محیطی نظیر افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش کاذب قیمت زمین، افزایش آلودگی صوتی و دست اندازی به حریم منابع طبیعی را موجب شده است. رضوانی و صفایی (1384) در مطالعه‌ای که در شمال تهران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که گسترش گردشگری به صورت خودجوش و فاقد نظارت و برنامه‌ریزی بوده است. لذا پیامدهای نامطلوبی مانند مهاجرت همراه با کاهش جمعیت دائمی روستاها، بروز تضاد و دوگانگی اجتماعی بین جامعه‌ی میزبان و میهمان، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات به خانه‌های دوم، رکود فعالیت‌های کشاورزی و دامداری، آلودگی آب رودخانه‌ی جاجرود و سد لتیان، زباله‌ریزی و تخلیه فاضلاب را در پی داشته‌است. یافته‌های حاصل از مطالعه رضایی (1382) نشان داد که تاثیر گردشگری بر اقتصاد و توسعه نواحی روستایی استان چهارمحال بختیاری، نه تنها مثبت نبوده، بلکه اثرات مخربی بر محیط زیست به همراه داشته‌است.

هم چنین نتایج تحقیق ری¹ و همکاران (2012) نشان داد که گردشگری روستایی پیامدهای بسیاری را بر اقتصاد محلی و روش زندگی مردم داشته و تغییرات اجتماعی-فرهنگی متعددی را در جامعه مورد مطالعه به همراه داشته است. به عنوان مثال تسهیلات رفاهی مانند ارتباطات، خدمات بهداشتی، حمل و نقل و به‌طور کلی استانداردهای زندگی مردم بهبود یافته است. یکی دیگر از مطالعات صورت گرفته در این زمینه، پژوهشی است که توسط وانگ و پفیسر² (2008) انجام گرفت. این محققان نگرش ساکنان را در مناطقی که توسعه گردشگری در مراحل اولیه به سر می‌برد را نسبت به منافع شخصی و اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن است که نگرش جامعه میزبان نسبت به کسب مزایای اقتصادی مثبت است. به عبارت دیگر، گردشگری اثرات اقتصادی مثبتی بر جامعه داشته‌است. این در حالی است که در این تحقیق دیدگاه‌های غیر اقتصادی مورد بررسی قرار نگرفت. بر اساس مطالعه آرف³ (2011)، گردشگری اثرات مثبتی بر کیفیت زندگی ساکنان منطقه دارد. در این تحقیق، مهمترین این اثرات رفاه عاطفی، رفاه جامعه، اشتغال و درآمد بیان گردید. این در حالی است که این پدیده آثار منفی بر امنیت و سلامتی افراد منطقه داشته‌است. در همین رابطه هارلمبوپولوس و پیزام⁴ (1994) اثرات ادراک شده گردشگری را از دیدگاه ساکنان مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد گردشگری، پیامدهای منفی از جمله افزایش قیمت، اعتیاد، تخریب، هرج و مرج، و افزایش جرم و جنایت را در جامعه میزبان برجای گذاشته است. هم چنین نتایج نشان دهنده‌ی نگرش مثبت افراد وابسته به صنعت گردشگری، نسبت به

¹ Ray² Wang & Pfister³ Aref⁴ Haralambopoulos & Pizam

افرادی که این وابستگی درآمدی را ندارند، بود. در همین راستا در تحقیقی که توسط آلن¹ و همکاران (1993) انجام شد، نگرش ساکنان روستاهای کلرادو مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه، جوامع روستایی از لحاظ شاخص اقتصادی و توسعه گردشگری به دو گروه تقسیم شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که مناطقی که از لحاظ اقتصادی و توسعه گردشگری دارای هماهنگی هستند نگرش ساکنان آنان مثبت‌تر از جوامعی است که بین شاخص اقتصادی و توسعه گردشگری آنان این هماهنگی وجود ندارد. به عبارت دیگر در جوامعی که از لحاظ اقتصادی در سطح بالا و از لحاظ توسعه گردشگری در سطح پایینی قرار دارند یا بالعکس، نگرش چندان مثبتی به توسعه گردشگری ندارند. هم چنین نتایج نشان داد که نگرش افراد ارتباط معناداری با فعالیت‌های اقتصادی منطقه دارد.

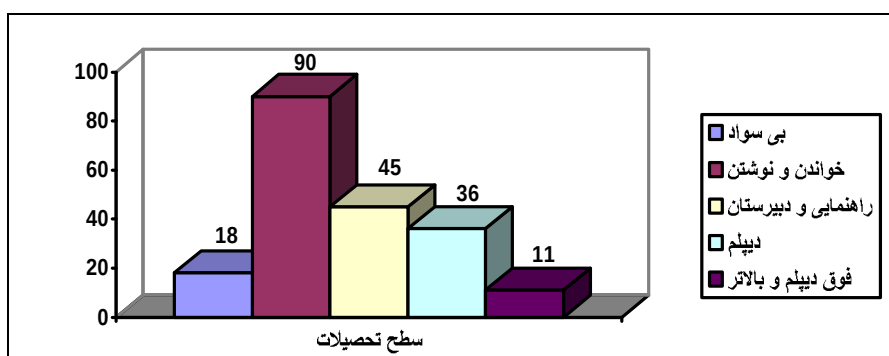
۳) روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی محسوب می‌گردد. روش این تحقیق به لحاظ داده-پردازی، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که به روش پیمایشی انجام شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه بود که با بررسی پیشینه نگاشته‌ها و اهداف تحقیق طراحی و تدوین گردید. جامعه آماری این تحقیق شامل ساکنان روستاهای ریجاب و ژالگه واقع در منطقه ریجاب در استان کرمانشاه است (N=950). حجم نمونه با استفاده از جدول بارتلت (2001)، 270 نفر برآورد شد که از این میان، 200 پرسش‌نامه به روش تصادفی ساده جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت (نرخ بازگشت: 74/07). به منظور تعیین روایی ابزار تحقیق، ابتدا تعدادی از پرسش‌نامه‌ها در اختیار چند تن از اساتید گروه ترویج و آموزش کشاورزی قرار گرفت و نظرات اصلاحی آن‌ها معمول و نهایتاً روایی صوری مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی پرسش‌نامه در این تحقیق از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی آن 0/74 به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه با استفاده از نرم افزار SPSS و روش تحلیل عاملی اکتشافی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴) یافته‌های تحقیق

بر طبق شکل شماره 1، در حدود نیمی از پاسخ‌گویان کم سواد و بی‌سواد می‌باشند و به ترتیب 26/3 و 18/6 درصد از آن‌ها دارای تحصیلاتی در حد راهنمایی- دبیرستان و دیپلم هستند و تنها 5/7 درصد از آن‌ها دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم به بالا می‌باشند.

¹ Allen et al



شکل شماره (۱): سطح تحصیلات افراد مورد مطالعه

به طور کلی، این افراد دارای میانگین سنی 39 سال می‌باشد. حداقل و حداکثر سنی آن‌ها به ترتیب برابر با 12 و 57 سال است و اکثر آن‌ها به شغل‌های زراعت و باغداری مشغول هستند. بررسی‌ها نشان داد که مردم روستاهای ریجاب و ژالگه معتقدند که در توسعه گردشگری باید به مسائلی از قبیل خصوصیات و طبیعت منطقه مورد نظر، مدیریت گردشگری در روستا، بازسازی مکان‌های تاریخی و نگرش مردم نسبت به روستای خود، توجه نمود (جدول شماره 1).

جدول شماره (۱): بسترهای مورد نیاز برای توسعه گردشگری از دیدگاه روستاییان

گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
توجه به خصوصیات و طبیعت روستا	4/51	0/49	0/11
مدیریت گردشگری در روستا	4/39	0/51	0/12
بازسازی مکان‌های تاریخی روستا	4/30	0/62	0/14
نگرش مردم نسبت به روستای خود	4/29	0/66	0/153
تهیه امکانات زیربنایی گردشگری توسط دولت	4/59	0/68	0/154
تدوین قوانین دقیق و سخت جهت حمایت از طبیعت روستا	4/06	0/68	0/16
مشارکت مردم روستا در فعالیت‌های گردشگری	4/32	0/73	0/17
توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم روستا	3/58	1/09	0/30

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

در ادامه، به منظور دستیابی به هدف پژوهش، تحلیل عاملی اصلی با چرخش واریماکس و روش مولفه‌های اصلی انجام شد. مقدار شاخص KMO (0/73) و معناداری آزمون بارتلت نشان داد که داده‌ها از شرایط لازم برای ورود به تحلیل عاملی برخوردار می‌باشند (جدول شماره 2).

جدول شماره (۲): آزمون بارتلت و KMO

شاخص کیزر-میر-الکین	0/73
آزمون بارتلت	777/95
کای اسکور	136
درجه آزادی	0/000 **
سطح معناداری	

** معناداری در سطح 99 و 95 درصد

بررسی‌ها نشان داد که توسعه گردشگری در مناطق مورد مطالعه دارای چهار پیامد عمده می‌باشد. این پیامدها به ترتیب اهمیت عبارتند از: درآمدزایی، ایجاد مشکلات زیست‌محیطی، توسعه فرهنگی و کاهش سرمایه اجتماعی. بعد از چرخش عامل اول 19/31% واریانس، عامل دوم 13/37% واریانس و عامل سوم و چهارم به ترتیب 13/07% و 9/5% از واریانس را به خود اختصاص دادند. بر اساس اطلاعات جدول 4، عامل اول (درآمدزایی) شامل 6 گویه با باردهی بالا بود، این عامل بیشترین باردهی را در مورد گویه‌های افزایش درآمد، کاهش بیکاری و افزایش سود مغازه‌ها به خود اختصاص داده بود. در عامل دوم (مشکلات زیست‌محیطی) نیز هر 4 گویه دارای بارهای بالایی بودند و دو پیامد ایجاد آثار مخرب بلندمدت، افزایش تردد وسایل نقلیه و آلودگی هوا دارای بیشترین باردهی بوده است. دیگر عامل استخراج شده، ایجاد توسعه‌ی فرهنگی می‌باشد. بررسی گویه‌های این عامل نشان داد که به جز دو مورد از آن‌ها، بقیه گویه‌ها دارای بارعاملی بیشتر از 0/5 می‌باشد. در این عامل، دو گویه‌ی بالارفتن سطح فرهنگ مردم روستا و افزایش سطح آگاهی‌ها، مهم‌ترین گویه‌ها محسوب می‌شوند. آخرین عامل به دست آمده، کاهش سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد. با توجه به بارهای عاملی، هر دو گویه‌ی در این عامل از اهمیت بسیاری برخوردار بودند. به طور کلی عامل‌های به دست آمده 55/26% از واریانس را تبیین نمودند.

جدول شماره (3): ماتریس عوامل چرخش یافته با روش واریماکس

گوپه‌ها	1	2	3	4	اشتراک گرایی
افزایش درآمد مردم روستا	0/85				0/77
کاهش بیکاری در روستا	0/75				0/60
افزایش سود مغازه‌ها	0/71				0/59
بهبود شدن وضعیت اقتصادی و زندگی مردم	0/65				0/43
ایجاد فرصت‌های شغلی برای اهالی روستا	0/52				0/42
بهبود موقعیت روستا نسبت به سایر روستاها	0/51				0/50
ایجاد آثار مخرب بلندمدت		0/87			0/43
افزایش تردد وسایل نقلیه و آلودگی هوا		0/84			0/45
افزایش زباله و آلودگی در مناظر طبیعی روستا		0/53			0/51
از بین رفتن و تخریب منابع طبیعی		0/52			0/78
بالارفتن سطح فرهنگ مردم روستا			0/77		0/71
افزایش سطح آگاهی‌ها			0/56		0/61
تغییر نگرش منفی نسبت به شهرها			0/53		0/51
توجه دولت به پتانسیل‌های فرهنگی روستا			0/48		0/38
افزایش کیفیت زندگی			0/46		0/58
کاهش انسجام و همبستگی				0/78	0/66
کمرنگ شدن آداب و رسوم مردم محلی				0/67	0/46
ارزش ویژه	3/28	2/27	2/22	1/61	
% واریانس	19/31	13/37	13/07	9/5	

منبع: یافته‌های تحقیق، 1392.

۵) نتیجه گیری

نتایج نشان داد که در حدود نیمی از پاسخگویان کم سواد و بی سواد می باشند. این افراد دارای میانگین سنی 39 سال و کمینه و بیشینه سنی به ترتیب 12 و 57 سال هستند. بر طبق بررسی ها، اکثر این افراد به شغل های زراعت و باغداری مشغول می باشند.

یافته ها نشان داد، افراد مورد مطالعه معتقدند در توسعه ی گردشگری باید به مسائلی از قبیل: خصوصیات و طبیعت منطقه مورد نظر، مدیریت گردشگری در روستا، بازسازی مکان های تاریخی و نگرش مردم نسبت به روستای خود، توجه نمود. در این راستا نتایج مطالعه هارلمبولوس و پیزام (1994) نشان داد که روستاییان درک درستی نسبت به گردشگری و توسعه ی آن دارند. هم چنین بررسی نتایج نشان داد که توسعه ی گردشگری می تواند منجر به درآمدزایی در مناطق روستایی شود. از آن جایی که در اکثر مناطق روستایی، سطح درآمد و پس انداز خانوارها بسیار پایین می باشد، بنابراین توسعه ی گردشگری می تواند زمینه ساز کاهش فاصله ی طبقاتی بین مناطق شهری و روستایی و حتی در درون خود روستاها باشد و به تحقق عدالت اجتماعی کمک نماید. نتیجه مزبور در تایید مطالعات خانی و همکاران (1388: 52)؛ میرزایی (1388: 49)؛ غفاری و ترکی هرچگانی (1388: 113)؛ مومنی و همکاران (1387: 13)؛ رودور^۱ (2012)؛ کوندو^۲ (2012)؛ هاریل (2004) و آرف (2011) می باشد که همگی بر نقش گردشگری در ایجاد فرصت های شغلی و افزایش سطح درآمد ساکنان تاکید دارند. این در حالی است که یافته های مطالعه دسی و بنیدیک^۳ (2011) حاکی از آن است که درآمد کسب شده از طریق گردشگری روستایی در مقایسه با درآمد بخش های اقتصادی سنتی مانند کشاورزی، بسیار پایین است و به همین لحاظ در درجه اهمیت کمتری قرار دارد و به عنوان یک فعالیت جانبی محسوب می شود. گرچه به طور کلی اثرات مثبت اقتصادی گردشگری مورد تایید است ولی یافته های برخی از تحقیقات من جمله یافته های پژوهش مهدوی و همکاران (1386: 39)؛ علیقلی زاده و همکاران (1386: 1)؛ و رودور (2012) نشان داد که با وجود این که گردشگری در زمینه ی اقتصادی تا حدودی سبب اشتغالزایی و افزایش درآمد شده است، اثرات منفی آن از جمله افزایش قیمت کالا، زمین و مسکن، سوداگری زمین، افزایش ساخت و ساز بی رویه، افزایش هزینه زندگی، افزایش قیمت تولیدات محلی و غیره بوده است. از این رو گردشگری از نظر اقتصادی موفق عمل نکرده است. در این راستا، ذکر این نکته ضروری است که توجه صرف به عامل اقتصادی (بدون توجه به سایر ابعاد اجتماعی و فرهنگی) به دور از اندیشه ی پایداری است و این عامل زمانی می تواند به طور موفق و پایدار عمل کند که با سایر ابعاد توسعه در نظر گرفته شود.

^۱ Rathore

^۲ Kundu

^۳ Dezsi & Benedek

بر اساس نتایج، گسترش گردشگری در مناطق روستایی مورد مطالعه می‌تواند سبب بروز مشکلات زیست محیطی شود. این یافته با نتایج تحقیق ضرابی و پریخانی (1390: 52)؛ قدمی و همکاران (1389: 21)؛ قرخلو و همکاران (1388: 1)؛ خانی و همکاران (1388: 51)؛ علیقلی‌زاده و همکاران (1386: 1)؛ مهدوی و همکاران (1386: 39)؛ رضوانی و صفایی (1384: 109) همسو می‌باشد که بر پیامدهای منفی ناشی از حضور گردشگران تاکید دارند. اهمیت این پیامد منفی به اندازه‌ای است که می‌تواند سایر آثار مثبت توسعه‌ی گردشگری را تحت شعاع خود قرار داده و آن‌ها را خنثی نماید. امروزه، این امر کاملاً بدیهی است که تخریب و آلودگی محیط زیست می‌تواند پایداری مناطق روستایی را به مخاطره بیاندازد و زمینه را برای نابودی این سرمایه‌ی طبیعی فراهم آورد. بنابراین به نظر می‌رسد که اگر چه توسعه‌ی گردشگری (بدون برنامه‌ریزی‌های قبلی در جهت حفظ و حمایت محیط زیست) می‌تواند در کوتاه مدت، منافع اقتصادی بسیاری برای جامعه‌ی میزبان به همراه داشته باشد، اما در بلند مدت می‌تواند خسارت‌های سنگینی را به روستا و منابع طبیعی آن وارد سازد. همچنین در همین رابطه نتایج تحقیق رودور (2012) نشان داد که علاوه بر اثرات منفی، گردشگری می‌تواند اثرات مثبت زیست‌محیطی مانند کمک در ایجاد و نگهداری پارک‌های طبیعی، یادگیری اهمیت حفاظت از منابع طبیعی را به همراه داشته باشد. یکی دیگر از یافته‌های قابل تامل این پژوهش آن است که توسعه‌ی گردشگری منجر به توسعه‌ی فرهنگی شده است. به عبارتی توسعه گردشگری، افزایش سطح فرهنگ مردم روستا، افزایش سطح آگاهی‌ها، تغییر نگرش منفی نسبت به شهری‌ها، توجه دولت به پتانسیل‌های فرهنگی روستا، و افزایش کیفیت زندگی را به دنبال داشته است. به عنوان مثال همان‌طور که در نتایج مشاهده می‌شود، توسعه گردشگری موجب شده که نگرش منفی مردم محلی نسبت به شهری‌ها کاهش یابد و با برقراری ارتباط دوستانه با گردشگران امنیت و آرامش خاصی را برای گردشگران به ارمغان بیاورند. هم چنین توجه دولت به پتانسیل‌های فرهنگی روستا (غذاهای محلی، پوشاک محلی و غیره)، و فراهم نمودن امکانات و تسهیلات مناسب مانند ایجاد پارکینگ برای گردشگران، به نوعی افزایش فرهنگ عمومی را به دنبال داشته است. این یافته توسط تحقیق حسینی و همکاران (1389)؛ مومنی و همکاران، (1387: 13)؛ رودور (2012) مورد تایید قرار گرفت. در رابطه با این یافته می‌توان تحلیل‌های زیر را ارایه نمود:

تغییراتی که در جوامع میزبان به وقوع می‌پیوندد، دارای جنبه‌های مثبت و منفی فرهنگی است. این تغییرات می‌تواند وضعیت فرهنگی جامعه‌ی میزبان را بهبود ببخشد و آن را غنی‌تر سازد (Polucha & Zukovskis, 2010: 8) و یا این که موجب تضعیف فرهنگ بومی و آداب و رسوم محلی و یا ورود ناهنجاری‌های فرهنگی به جامعه شود (حاجی‌نژاد و پورطاهری، 1388: 95). ممکن است جامعه‌ی میزبان فرهنگ‌های کهنی که سبب پایداری جامعه شده است را از دست بدهد و همین امر می‌تواند ادامه حیات

جامعه‌ی روستایی را با خطر مواجه سازد. بنابراین تا جایی توسعه‌ی فرهنگی می‌تواند به عنوان آثار مثبتی تلقی شود که در وهله‌ی اول منجر به ناپایداری در جامعه‌ی میزبان نشود و دیگر آن که، زمینه را برای تک قطبی شدن فرهنگی (یا به عبارتی شهری شدن) مناطق روستایی فراهم نیاورد. به نظر می‌رسد که بی‌توجهی به این عامل می‌تواند بستر ساز مشکلات بسیاری در مناطق روستایی باشد. در مجموع، در اثر گردشگری و ارتباطی که بین افراد دو یا چند جامعه به وجود می‌آید، نوعی تبادل فرهنگی شکل می‌گیرد (حاجی‌نژاد و پورطاهری، 1388: 95). از طرفی این صنعت موجب ارتقای فرهنگ روحی معنوی مسافر، پند آموختن از تاریخ، سلامتی روح و جسم، آموختن دانش و معرفت، تقویت آداب و رسوم و سنن ملی، تأثیرگذاری مثبت در منش و روش زندگی مردم شهرنشین، حفظ آثار تاریخی و اصالت‌های قومی نیز می‌شود (پاپ زن و همکاران، 1389: 26).

کاهش سرمایه‌ی اجتماعی، از دیگر آثار منفی توسعه‌ی گردشگری می‌باشد. بررسی‌ها نشان داد که توسعه‌ی گردشگری سبب کاهش انسجام درون گروهی و از بین رفتن بسیاری از آداب و سنن مردم روستا شده است. در همین راستا مطالعه مومنی و همکاران (1387: 13) نشان داد که گردشگری علاوه بر آثار مثبتی که بر جای می‌گذارد، به برخی از ناپایداری‌های اجتماعی نیز منجر می‌شود که از جمله این ناپایداری‌ها شلوغی و ازدحام و هم چنین افزایش جرایمی مانند سرقت بوده است. علاوه بر این، نتایج مطالعه تولایی و شاهدی (1387: 191) نشان داد که گردشگری منجر به رنگ باخت برخی ویژگی‌های فرهنگ بومی در حوزه زبان محلی، پوشش، و آداب و رسوم سنتی شده است که با یافته‌های به دست آمده از این تحقیق همخوانی دارد. این در حالی است که پژوهش مهدوی و همکاران (1386: 39) نشان داد که گردشگری اثرات مثبت اجتماعی از جمله افزایش سواد، بهداشت فردی و عمومی، افزایش تعامل با نواحی همجوار و کاهش مهاجرت به همراه داشته است. همان طوری که قبلاً ذکر شد توسعه‌ی گردشگری اگر چه می‌تواند دارای جنبه‌های فرهنگی مثبتی باشد، اما در عین حال می‌تواند آثار تخریبی بلندمدت بر روی فرهنگ و محیط روستاییان بگذارد و آن‌ها را دچار استحاله فرهنگی، القاء حس عقب ماندگی فرهنگی و مالی در بین ساکنین، و افزایش فحشا (نوابخش و رفیعی‌فر، 1389: 122) نماید و منجر به کاهش سرمایه‌ی اجتماعی در بین مردم روستا گردد.

نکته قابل بحث و تامل در آن است که بر اساس یافته‌ها، گر چه توسعه گردشگری، از طرفی توسعه فرهنگی را به دنبال داشته ولی از سویی دیگر منجر به کاهش سرمایه اجتماعی شده است. بنابراین این سوال مطرح است که این تضاد ناشی از چیست؟ در پاسخ باید خاطر نشان کرد که با ورود گردشگران به منطقه ریجاب، نگرش مردم محلی نسبت به گردشگران بهبود می‌یابد. این تغییر نگرش مثبت می‌تواند ناشی از برقراری ارتباط مردم محلی با گردشگران، به منظور جذب گردشگر برای ارائه محصولات خود

باشد. بنابراین در این مرحله، توسعه فرهنگی تقویت می‌شود. این در حالی است که از سویی دیگر، ناهنجاری‌هایی در جامعه میزبان (منطقه ریجاب) رخ می‌دهد. به عنوان مثال یک نوع رقابت برای جذب گردشگر در بین مردم محلی ایجاد شده که همین امر می‌تواند سرچشمه بروز برخی از رفتارها شود و در نهایت کاهش انسجام مردم محلی را در پی داشته است. علاوه بر این، کمرنگ شدن فرهنگ بومی در زمینه زبان محلی، پوشش، و غیره نیز در بین مردم منطقه مذکور دیده می‌شود که همین امر نیز می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی کمک کند. سخن آخر این که، اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای همانند تیغ دو لبه‌ای عمل می‌کنند که می‌توانند به طور همزمان آثار مثبت و منفی را به همراه داشته باشند. بنا بر مسائل مذکور، موارد زیر قابل طرح است:

- توصیه می‌شود که در توسعه گردشگری به خصوصیات و طبیعت منطقه مورد نظر، مدیریت گردشگری در روستا، بازسازی مکان‌های تاریخی، و نگرش مردم نسبت به روستای خود توجهات لازم را به عمل آورد. در این راستا می‌توان با بهره‌گیری از حوزه اختیارات دهیاری‌ها و افراد کلیدی در این رابطه گام برداشت.
- با توجه به درآمدزایی گردشگری در مناطق روستایی، پیشنهاد می‌شود به منظور جلوگیری از خروج این سرمایه‌ها از روستا، فرهنگسازی لازم در جامعه میزبان صورت بگیرد. به‌طوری که با تشویق روستاییان، آن‌ها را به سرمایه‌گذاری مجدد این درآمدها در روند باز تولید ترغیب نمود و نسبت به ارتقاء بیشتر سطح درآمدها، اشتغال‌زایی، رونق بیشتر گردشگری و کاهش مهاجرت در روستا کمک نمود. بدین منظور می‌توان با عرضه محصولات محلی (خوراک، پوشاک، گیاهان دارویی و غیره) زمینه ایجاد اشتغال بیشتر مردم محلی را در منطقه فراهم آورد. همچنین با ایجاد استخرهای پرورش ماهی، ساخت مهمانپذیر و غیره در منطقه مذکور، بستر مناسبی را برای جذب گردشگر و کسب درآمد، بوجود آورد.
- پیشنهاد می‌شود در جهت به حداقل رساندن آثار منفی زیست‌محیطی گردشگری در مناطق مورد نظر، برنامه‌های آموزشی در زمینه حفظ و حراست از محیط زیست هم برای روستاییان و هم برای تورهای گردشگری تدوین شود. به این ترتیب که، طی برگزاری کلاس‌های آموزشی مردم روستا را متقاعد نمایند که خود باید از این منابع طبیعی حفاظت و حراست نمایند و هر یک از آن‌ها باید یک نگهبان در طبیعت باشند و اجازه ندهند که گردشگران با مسافرت چند روزه‌ی خود طبیعت هزاران ساله‌ی آن‌ها را از بین ببرند. علاوه بر این می‌توان با استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری، و نصب تابلوهای هشدار دهنده، فرهنگ و رفتار دوستدارانه طبیعت را در گردشگران تقویت نمود.

- توصیه می‌شود که مسئولین و دست اندرکاران گردشگری، پتانسیل‌های فرهنگی (دب و رسوم، سنن، انواع خوراک و پوشاک محلی) را در منطقه مورد مطالعه شناسایی کنند و سعی نمایند که با تقویت و نمایش این پتانسیل‌ها به جذب گردشگر، افزایش آگاهی مردم روستا از فرهنگ غنی خود و حفظ این سرمایه‌های فرهنگی کمک نمایند. به عنوان نمونه می‌توان در این راستا با برگزاری جشنواره‌ها و همایش‌های روستایی و محلی در مناطق مختلف استان و کشور، این سرمایه‌های فرهنگی را به مردم معرفی نمود.
- با توجه به کاهش سرمایه اجتماعی در منطقه مورد مطالعه، پیشنهاد می‌گردد تعاونی‌های گردشگری برای ارائه و عرضه محصولات محلی در منطقه تشکیل شود تا از این طریق بتوان در راستای اتحاد و انسجام مردم محلی گام برداشت.

۶ منابع

- پاپزن، عبدالحمید. قبادی، پرستو، زرافشانی، کیومرث. و گراوندی، شهپر (1389)، مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه)، پژوهش‌های روستایی، شماره 3، صص 25-52.
- تولایی، سیمین. و شاهدی، ناصر (1387)، ارزیابی آثار دموگرافیک و فرهنگی گردشگری در سرعین اردبیل، علوم جغرافیایی، جلد 8، شماره 11، صص 191-206.
- حاجی‌نژاد، علی. پورطاهری، مهدی. و احمدی، علی (1388)، تأثیرات گردشگری تجاری بر توسعه کالبدی فضایی مناطق شهری (مطالعه موردی: شهر بانه)، جغرافیای انسانی، شماره 70، صص 109-91.
- حسینی، فرهاد. احمدی، پرویز. و خداداد حسینی، حمید (1389)، بررسی تاثیرگذاری توسعه گردشگری قومی بر موضوعات اجتماعی و فرهنگی جامعه (مورد پژوهی: روستاهای هدف گردشگری استان کرمانشاه)، مدیریت شهری، شماره 26، صص 163-180.
- خانی، فضیله. قاسمی، ابوطالب. و قنبری نسب، علی (1388)، بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستای چمخاله، شهرستان لنگرود)، جغرافیای انسانی، سال 1، شماره 4، صص 51-64.
- رضایی، پ (1382)، بررسی و مطالعه زمینه‌های گردشگری در نواحی روستایی استان چهارمحال بختیاری به منظور توسعه روستایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، گروه ترویج و آموزش کشاورزی.
- رضوانی، محمدرضا. و صفایی، جواد (1384)، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 54، صص 121-109.

- ضرابی، اصغر. و اسلامی پریخانی، صدیف (1390). سنجش تاثیرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی توسعه گردشگری (مطالعه موردی شهرستان مشکین شهر)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 75، صص 37-52.
- طالب، مهدی. بخشی‌زاده، حسن. و میرزایی، حسین (1387)، مبانی نظری مشارکت اجتماع روستایی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی در ایران، روستا و توسعه، شماره 4، صص 25-55.
- علیقلی‌زاده، ناصر. بدری، علی. و فرجی سبکبار، حسنعلی (1386)، نگرش جامعه میزبان به اثرات محیطی و اقتصادی گردشگری در نواحی روستایی: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان نوشهر، روستا و توسعه، سال 10، شماره 1، صص 1-22.
- علیقلی‌زاده، ناصر. قدمی، مصطفی. رمضان‌زاده، مهدی (1389)، نگرش و گرایش جامعه میزبان به توسعه گردشگری در نواحی روستایی (نمونه مورد مطالعه: دهستان گلیجان، شهرستان تنکابن)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 71، صص 35-48.
- غفاری، رامین. و ترکی‌هرچگانی، معصومه (1388)، نقش گردشگری در توسعه اجتماعی- اقتصادی مناطق روستایی استان چهارمحال و بختیاری: مطالعه موردی بخش سامان، روستا و توسعه، سال 12، صص 113-126.
- قدمی، مصطفی. و علیقلی‌زاده، ناصر. بردی آنا مراد نژاد، رحیم (1389)، بررسی نقش گردشگری در تغییرات کاربری اراضی مقصد (نمونه مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان نوشهر)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال 1، شماره 3، صص 21-42.
- قرخلو، مهدی. رمضان‌زاده، مهدی. گلین و شریف دینی، جواد (1388)، اثرات زیست محیطی گردشگری بر سواحل شهر رامسر، جغرافیای انسانی، سال 1، شماره 3، صص 1-12.
- محسنی، رضاعلی (1388)، گردشگری پایدار در ایران: کارکردها، چالش‌ها و راهکارها، فضای جغرافیا، سال 9، شماره 28، صص 149-171.
- مومنی، مصطفی. صرافی، مظفر. و قاسمی خوزانی، محمد (1387)، ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد، جغرافیا توسعه، شماره 11، صص 38-13.
- مهدوی، مسعود. قدیری معصوم، مجتبی. و قهرمانی، نسرين (1387)، اثرات گردشگری بر توسعه روستایی با نظرسنجی از روستاییان دره‌ی کن و سولقان، روستا و توسعه، سال 11، شماره 2، صص 39-60.
- میرزایی، رحمت (1388)، تاثیر توسعه گردشگری روستایی بر اشتغال در منطقه اورامانات کرمانشاه، روستا و توسعه، سال 12، شماره 4، صص 49-76.
- نوابخش، مهرداد. و رفیعی‌فر، مریم (1389)، بررسی اجمالی آثار گردشگری بر زندگی اقتصادی اجتماعی مردم روستای زیارت، آمایش (فصلنامه جغرافیایی)، سال 9، شماره 3، صص 115-132.

- Allen, Lawrence. R., Hafer, Harry. R., Long, Patrick T., & Perdue, Richard. R. (1993), **rural residents' attitudes toward recreation and tourism development**. Journal of travel research, 31(4): 27-33.
- Aref, Fariborz. (2011), **the effects of tourism on quality of life: A case study of Shiraz, Iran**. Journal of Life science, 8(2): 26-30.
- Bartlett, James. E., Kottrliikk, Joe W., & Hiiggiinss, Chadwick C. (2001), **Organizational research: Determining appropriate sample size in survey research**. Information Technology, Learning, and Performance Journal, 19 (1): 43-50.
- Cavacy, C. (1995), **Rural tourism: The creation of new tourist spaces**, in A. Matanari & A. Williams (Eds) European tourism: Regions, spaces and restructuring, chichester: John Wily & Sons. P 129-149.
- Dezsi, Stefan. & Benedek, Jozsef. (2011), **The Role of Rural Tourism in the Socio-Economic Diversification of Rural Space from Lapusului Land (Lara Lapusului, Maramures County, Romania)**, International Journal of Systems Applications, Engineering & Development, 2(5): 198-207.
- Haralambopoulos, Nicholas. & Pizam, Abraham. (1996), **Perceived impacts of tourism: The case of Samos**, Annals of tourism research. 23(3):503-526.
- Harrill, Rich. (2004), **Resident's attitudes toward tourism development: A literature review with implications for tourism planning**. Journal of Planning Literature, 18(1): 1-16.
- Kundu, Suman Kumar. (2012), **Economic empowerment through rural tourism: The case of Tarapith – A religious tourism destination in Birbhum District of West Bengal, India**, Journal of Society and Space 8, 7: 65-74.
- Liue, Z. (2003), **Sustainable tourism development: A critique**. GEOGRAFIA OnlineTM Journal of sustainable tourism, 11(6): 459-475.
- Polucha, Iwona. & Zukovskis, Janas. (2010), **Regional aspects of rural tourism development in the areas with valuable resources: case of Warmia and Mazury region in Poland**, Management theory and studies for rural business and infrastructure development, Research papers, ISSN 1822-6760, 21(2): 90-100. Available on <http://vadyba.asu.lt/21/90.pdf>
- Rathore, Nisha. (2012), **rural tourism impact, challenges and opportunities**, ZENITH International Journal of Business Economics & Management Research, 2(2): 252-260.
- Ray, Nilanjan, Das, Dillip Kumar., Sengupta, Partha Pratim., & Ghosh, Sukanya. (2012), **rural tourism and its impact on socioeconomic condition: evidence from west Bengal, India**, Global Journal of Business Research, 6(2): 11-22.